

# رازهای ماندگاری شخصیت‌ها در داستان‌های بچه‌ها

O مهرداد کریمی

نیست؟

دوستش کاپیتان هادوک، از او مسن‌تر است؛ دریاورد دائم‌الخمری که خلاف تن‌تن، خیلی زود عصبانی می‌شود و گاه تصمیم‌های عجولانه‌ای می‌گیرد و اتفاقات طنزآمیزی را رقم می‌زند. تجربه او برخی اوقات به کمک دوستانش می‌آید. اما پرفسور تورنسل، دانشمند و مخترعی است که معمولاً سرگرم اختراع وسایل عجیب و غریب و آزمایش آن‌هاست و با علم خویش، دوستانش را یاری می‌کند. هیچ یک از این شخصیت‌ها ازدواج نکرده‌اند و فرزندی ندارند. ماجراهایی که برای تن‌تن و همراهانش پیش می‌آیند، در مکان‌های متنوع و گوناگونی رخ می‌دهند. از کشورهای مختلفی که به دلایل سیاسی، نگاه خاصی در غرب به آنها وجود دارد (هم‌چون شوروی پیشین، کشورهای عربی، تبت یا کشورهای آمریکای جنوبی) تا کره ماه و از کوه‌های هیمالیا تا اعماق اقیانوس. این ماجراها هر کدام پیچیدگی‌های خاص خود را دارند و کشف دست‌های پنهان در آنها، به روشن شدن واقعیت‌ها و گذر از تنگنای حوادث منجر می‌شود. گرچه داستان‌های تن‌تن معمولاً معماها و گرهم‌هایی هم‌چون داستان‌های پلیسی را پیش روی قهرمانان قرار می‌دهند، تقریباً به همان اندازه که در ماجراها پیچیدگی وجود دارد، سادگی و ملموس بودن، در شخصیت قهرمانان به چشم می‌آید. جمله‌ها و کلماتی که بین آنها رد و بدل می‌شود، کاملاً با روند داستان مرتبط است؛ درست مثل اینکه شاهد یک فیلم مستند از یک ماجرا هستید. آنها کسی را نصیحت نمی‌کنند (یعنی حرف‌های مشفقانه و پندهای اخلاقی مستقیم به خوانندگان و مخاطبان خود نمی‌دهند و خواننده احساس نمی‌کند که در لابه‌لای این داستان‌ها چیزی برای نصیحت کردن او گنجانیده‌اند)، بلکه فقط کار خودشان را انجام می‌دهند و اگر بناست که پیامی وجود داشته باشد، استخراج و دریافت آن به میل و عهده مخاطب است. گاهی با هم خوش و بش می‌کنند و گاه از اشتباهات یکدیگر خشمگین می‌شوند و کسی مانند کاپیتان هادوک، در چنین مواقعی، انبوهی از دشنام‌های ورد

برشمرد. گذشته از اثری که تلاش و تبلیغات گروه‌ها و رسانه‌های فعال، در شناساندن و باقی نگاه داشتن نام و خاطره این کتاب‌ها دارند، ویژگی‌های مهمی نیز در خود داستان‌ها و شخصیت‌پردازی قهرمانان‌شان وجود دارد که نه تنها آثاری جذاب و دوست‌داشتنی برای طیف‌های سنی مختلف پدید می‌آورند، بلکه موجب به دست آمدن قابلیت‌هایی می‌شوند که به آن‌ها توانایی مطرح شدن در گستره‌ای بسیار وسیع‌تر و فراگیرتر از محدوده جغرافیایی پدیدآمدن‌شان می‌بخشد و این آثار را به آثاری مطلوب برای هنرمندان خلاق تبدیل می‌کند که به ویژه در زمینه سینما و هنرهای نمایشی، به دنبال موضوع‌هایی جذاب و مخاطب‌پسند می‌گردند. بیهوده نیست که استیون اسپیلبرگ دوباره به سراغ تن‌تن می‌رود و مرد عنکبوتی سام ریمی به فیلمی دنباله‌دار با فروش تضمین شده تبدیل می‌شود!

سینمای هالیوود، سال‌هاست که با وجود همه انتقادهای وارد بر آن (به سبب نگاهی که منتقدانش آن را به شدت تجاری و لطمه‌زننده به اصل و اصالت داستان فیلم‌های اقتباسی می‌دانند)، از چنین داستان‌هایی برای ساخت فیلم‌های پرهزینه و پرفروش استفاده می‌کند و البته سود خوبی نیز نصیبش می‌شود!

این ویژگی‌ها کدامند؟ نگاهی به خصوصیات قهرمانان و ساختار ماجراهای‌شان، ما را در فهم بهتر مسئله یاری خواهد کرد. تن‌تن، خبرنگار و ماجراجوی جوانی است که به همراه سگ کوچکش میلو و در کنار دوستانی هم‌چون کاپیتان هادوک و پرفسور تورنسل، درگیر ماجراهای گوناگون می‌شود و حوادث متنوعی را در سرزمین‌های مختلف تجربه می‌کند. شاید اولین نکته‌ای که بتوان درباره او گفت، این باشد که وی فردی موفق است؛ او باهوش و اغلب آرام و خوش اخلاق است. هم‌چنین، مسائل را تجزیه و تحلیل می‌کند و در زمان بروز مشکل، با کمک فکر خود، موفق به حل آن می‌شود. تن‌تن وقتی تصمیمی می‌گیرد، آن را با موفقیت به انجام می‌رساند و از خطرپذیری و دشواری‌های راه، هراسی ندارد. آیا این‌ها برای ساختن شخصیتی محبوب از او کافی

تن‌تن، لوک خوش‌شانس، پی‌پی جوراب بلند، سوپرمن، بت من، مرد عنکبوتی و... این نام‌ها را بسیاری از آن‌هایی که در دوران کودکی‌شان با کتاب‌های مصور و کمیک استریپ (strip Comic) سرگرم شده و داستان‌های‌شان را با اشتیاق دنبال کرده و همراه قهرمانان این داستان‌ها، حوادث و ماجراهای گوناگون را در سرزمین‌های دور و خیال‌انگیز تجربه کرده‌اند، به خوبی می‌شناسند و شاید هنوز هم گهگاه برای تجدید خاطرات روزهای خوب کودکی، سری به این کتاب‌ها و داستان‌ها می‌زنند و گاه نیز سعی می‌کنند که کودکان خود را در تکرار و تجربه این خاطرات شیرین، شریک سازند؛ کودکانی که عرصه‌های تازه‌ای از ارتباطات و تکنولوژی و جریان اطلاعات را پیش روی دارند و خیلی از آن‌ها، نشستن در مقابل مانیتور رایانه را به مطالعه خواندنی‌ها و رسانه‌های مکتوب، ترجیح می‌دهند.

اما هنوز هم، پس از این حجم عظیم تحولات و پیشرفت‌ها و دگرگونی‌ها، از این شخصیت‌های داستانی و ماجراهای‌شان یاد می‌شود و بعد از چند دهه، آن‌ها را به ویژه در کشورهای محل پدیدآمدن‌شان، گرامی می‌دارند و خبر مراسم سالگرد تولد این قهرمانان را به دیگران می‌رسانند. گروه‌هایی از دوستداران این داستان‌ها، گاه خود را به شکل قهرمانان و شخصیت‌های داستان‌های مورد علاقه‌شان درمی‌آورند و گرد هم جمع می‌شوند (مانند دوستداران پی‌پی جوراب بلند در سوئد) و گاه با برگزاری نشست‌ها و نگارش مقاله‌هایی، به معرفی خالقان این آثار و بررسی داستان‌های‌شان از زوایای گوناگون می‌پردازند. عده‌ای نیز در چنین سالگردهایی، زمینه را برای ارائه نقدهای خاص خود بر این داستان‌ها مناسب می‌بینند و تفسیرهای مختلفی از آن‌ها ارائه می‌دهند. این همه گواه آن است که این گونه داستان‌ها و قهرمانان‌شان، هنوز زنده هستند و توانسته‌اند تا مدت‌های طولانی، حتی بعد از مرگ نویسندگان و پدیدآورندگان‌شان، باقی و تأثیرگذار باشند. اما چرا؟

دلایل متنوعی می‌توان برای این موضوع

## آن‌ها وجود دارند تا تعادل را برقرار کنند؛

تعادل در طبیعت، در زندگی آدمیان و همین‌طور در قدرت!

پیوند آن‌ها با طبیعت بسیار نزدیک است و نام ایشان نیز

گویای همین مطلب است: مرد عنکبوتی،

مرد خفاشی (بت من) و...



از نمونه‌های شناخته شده این مشاغل در جامعه ارائه می‌کند. مانند پلیس‌هایی که اغلب به جای دنبال کردن سرنخ‌ها و یافتن مظنونان اصلی حوادث، به دنبال مسائل بی‌ربط، فرعی و کاملاً حاشیه‌ای می‌روند و آن‌ها را مورد توجه قرار می‌دهند.

ویژگی شخصیت‌های این داستان‌ها در این است که می‌توان آن‌ها را با یک یا چند صفت معهود و خاص، شناخت و به خوبی معرفی کرد؛ صفاتی هم‌چون باهوش، زرنگ، خودمانی، بامزه یا بدجنس، ابله، تندخو، از خودراضی، گیج، حواس پرت، خسیس و...

شخصیت‌پردازی این کتاب‌ها، با آنچه در ادبیات داستانی بزرگسالان می‌بینیم، تفاوت‌هایی دارد و به نگاه کودکان بسیار نزدیک است. این‌ها صفاتی هستند که کودک در زندگی روزمره خود با آن‌ها مواجه می‌شود و گاه دربارهٔ دوستان واقعی یا خیالی خود به کار می‌برد. برداشته‌های کودکان از صفات بارز افراد و شخصیت‌ها که در چنین داستان‌هایی متجلی می‌شود، زمینه‌ای برای تعریف‌های تازه‌تر، کامل‌تر و عمیق‌تر از آن‌ها، در دوران جوانی و بزرگسالی به دست می‌دهد.

این داستان‌ها، سادگی، هیجان و طنز را با هم به کودک می‌دهند. طنز آن‌ها در اکثر موارد، فراتر از حد کلامی و به شکل تصویری یا بصری درمی‌آید؛ یعنی موقعیت‌های طنزآمیز به گونه‌ای به تصویر کشیده یا تعریف می‌شوند که خواننده می‌تواند آن اتفاق را در ذهن خود به خوبی مجسم کند و از رخ دادن آن لبخند بر لبانش نقش ببندد.

ماجراهای کتاب‌های کمیک استریپ، اتفاقات و تجربیاتی را که کودک دوست دارد با آن‌ها مواجه یا احتمالاً در آینده درگیرشان شود، برای او بازنمایی می‌کنند و کودک می‌تواند در تجربهٔ ماجراهای گوناگون، با شخصیت‌های داستان شریک شود. او می‌تواند با قهرمانان این داستان‌ها همذات‌پنداری کند و با ایشان را به عنوان دوست خیالی خود برگزیند؛ دوستانی که مفاهیم و خصلت‌هایی هم‌چون هیجان، موفقیت، باهوشی و زرنگی را برای او نمایش می‌دهند و با تکیه بر توانایی‌های مثبت خود، به پیروزی و موفقیت می‌رسند تا شادمانی و احساس سهیم شدن در پیروزی را به کودک هدیه کنند. قهرمانان این داستان‌ها با ویژگی‌های مشخص درونی و هم‌چنین ظاهری‌ای هم‌چون شکل، نوع و رنگ لباس، آرایش

زبان خود را بر سر طرف مقابل خالی می‌کند! ویژگی‌های این قهرمانان، نه با توضیحات مستقیم و بی‌واسطه نویسنده که با اعمال و رفتار آن‌ها در طول داستان، شناخته می‌شود. درست مثل این‌که شما با این شخصیت‌ها مدتی زندگی یا سفر می‌کنید و به مرور با اخلاق و روحیات آن‌ها آشنا می‌شوید. مکان‌هایی که ماجراها و حوادث در آن‌جاها اتفاق می‌افتند نیز چندان عجیب و نامأنوس نیستند؛ اگر چه مطابق میل و تصمیم خالق اثر، توصیف و معرفی می‌شوند. این مکان‌ها، هر چقدر هم شگفت‌انگیز باشند، اما باز هم زندگی در آن‌ها جریان دارد و زیاد تصنعی نیستند و همین نکته می‌تواند وجه اشتراک خوبی با محیط پیرامون مخاطبان باشد. در آن‌جاها نیز مردم در رفت و آمدند، فروشندگان و صاحبان مشاغل به کار خود مشغولند و در دل همهٔ این اتفاقات طبیعی و ملموس و معمول، ماجراهایی شکل می‌گیرد که پی‌گرفتن و کشف اسرار آن‌ها، پایهٔ اصلی جذابیت و کشش داستان را تشکیل می‌دهد. چنین ویژگی‌هایی در داستان‌هایی مانند لوک خوش‌شانس و پی‌پی جوراب بلند نیز وجود دارد.

لوک خوش‌شانس هم مجرد و تنه‌است و خودش هم بر این نکته تأکید دارد: «من یک کابوی تنها هستم!» و تنها همراهان او اسبش جولی (جاک) و سگی به نام رن تن پلن (Ran Tan Plan) هستند. پی‌پی نیز به همراه اسبش و یک میمون زندگی می‌کند و پدر و مادری ندارد. به همین دلیل، آزادی عمل بیشتری نسبت به کودکان هم سن و سال خود دارد و در واقع، خودش برای کارها و امور مختلف خودش تصمیم می‌گیرد.

باز هم شخصیت‌های فرعی داستان، ملموس و شناخته شده‌اند؛ قصاب، بقال، پلیس، مأمور پست و حتی شخصیت‌های منفی‌ای هم‌چون دزدان و قاچاقچیان! اما همهٔ آن‌ها در یک مجموعهٔ ساختگی گرد هم آمده‌اند و نقش سپرده شده به خود را بازی می‌کنند تا اساس داستان و ماجراها را شکل ببخشند. هر کدام از ایشان، در عین حال که برخی ویژگی‌های متناسب با نقش شغلی خود را دارد، از صفاتی نیز برخوردار است که وی را از نمونهٔ واقعی‌اش (در جامعه و محیط پیرامون مخاطب) متمایز می‌سازد و از این صفات خاص در ارتباط او با دیگر شخصیت‌های داستان و پیشبرد خط سیر ماجراها و اتفاقات، بهره می‌برد و در عین حال، مدلی طنزآمیز و کاریکاتورگونه

مو و وسایل همراه‌شان، تعریف و شناخته می‌شوند. وضوح و ساده فهم بودن ویژگی‌های شخصیتی ایشان و تعریف شدن‌شان با صفاتی که در اکثر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و جوامع، معنا و مفهوم کم و بیش مشابهی دارند، به آن‌ها کمک می‌کند تا در گستره‌ای وسیع، شناخته شوند و با مخاطبانی فراوان‌تر و متنوع‌تر، ارتباط برقرار کنند.

مسائل و معضلات اجتماعی در این قبیل داستان‌ها، معمولاً در پوششی از طنز و مطایبه مطرح می‌شوند و نویسنده از بازنمایی و بازگو کردن صریح و مستقیم چنین مسائلی که شاید نمونه‌های واقعیت‌شان برای جوامعی که با آنها برخورد دارند و دست به گریبانند، دردآور و بسیار آندوهبار باشد، خودداری می‌کند. به عنوان مثال، در یکی از داستان‌های لوک خوش‌شانس، هنگامی که وی با اسبش در قلمرو حکومت یکی از ژنرال‌های آمریکای جنوبی حرکت می‌کند و در همه جا مجسمه‌ها و عکس‌های ژنرال دیده می‌شود، یکی از فروشندگان، وی را از این‌که خاک برخاسته از سم اسبش روی تصویر ژنرال بنشیند، برحذر می‌دارد!

این رویکرد، بر کار نویسندگانی که می‌کوشند نقاط سیاه مسائل اجتماعی را با همهٔ بدی‌ها و ناهنجاری‌های‌شان و حتی گاه، سیاه‌تر از آنچه



هست، بی‌پرده و مستقیم به چشم خواننده کم سن و سال خود بیابورند، کاملاً مرجح است. همان‌طور که می‌توان گفت این نوع نگارش، بیش از آن‌که برای مخاطب باشد، برای ابراز وجود نویسنده است.

در گونه دیگری از داستان‌های محبوب و مشهور، شکل دیگری از قهرمانان و ماجراهای پیش روی ایشان، دیده می‌شود؛ قهرمانانی با ویژگی‌ها و توانایی‌های فوق بشری و فوق طبیعی هم‌چون مرد عنکبوتی، سوپرمن و بت من. این‌ها نیز قهرمانانی هستند که به تنهایی به جنگ تبهکاران و بدکاران می‌روند. هدف آن‌ها معمولاً نجات بشریت و محیط زندگی اوست. شخصیت ایشان تا حد زیادی به قهرمانان حکایت‌های اساطیری و پهلوانی باستان نزدیک می‌شود و صفات بارز و مشخص عینی و بیرونی‌شان، بر ویژگی‌های ذاتی و باطنی برتری دارد. آن‌چه بیشتر از جانب ایشان دیده می‌شود، قدرت فوق تصور جسمی آن‌هاست که در شکل‌های مختلف، نمود پیدا می‌کند و شاید تنها صفت مشخص باطنی آن‌ها، همان نوع دوستی و تلاش‌شان برای نجات انسان‌ها و محفوظ نگاه داشتن ایشان از شر نیروهای پلید و قدرت طلب است که برای رسیدن به هدف خود، حاضرند همه چیز و همه کس را فدا کنند. همین ویژگی، سبب نزدیکی فراوان آن‌ها با نیروهای

طبیعی و اساطیر باستان می‌شود. آن‌ها وجود دارند تا تعادل را برقرار کنند؛ تعادل در طبیعت، در زندگی آدمیان و همین‌طور در قدرت! پیوند آن‌ها با طبیعت بسیار نزدیک است و نام ایشان نیز گویای همین مطلب است: مرد عنکبوتی، مرد خفاشی (بت من) و...

دشمنان آن‌ها نیز قدرت فراوانی دارند، چرا که باید بر این قهرمانان چیره شوند، اما معمولاً نقشه آن‌ها با حضور به موقع قهرمان، ناتمام می‌ماند و آن‌ها شکست می‌خورند تا مشخص شود که برتری طلبی یک جانبه، به ثمر نخواهد نشست. گرچه وجود اغراض گوناگون سیاسی را در نگارش و پردازش این داستان‌ها نمی‌توان کتمان کرد، شیوه استفاده آن‌ها از منابع کهن ادبی، فرهنگی و مذهبی، می‌تواند درس‌های مهمی برای کسانی باشد که می‌خواهند آثاری با فراگیری جهانی بیافرینند.

با این همه، تأکید و تکیه اصلی در این داستان‌ها، بر ویژگی‌ها و عوامل بصری و صورت ظاهر حوادث و برخوردهاست و شاید به همین دلیل، شخصیت‌های آن‌ها عمق چندانی پیدا نمی‌کنند و توانایی‌های‌شان، بیشتر ظاهری و دارای نمود بیرونی است.

وسعت مکانی این قبیل داستان‌ها، نسبتاً محدود است و گاه همه ماجراهای گوناگون‌شان در یک شهر

خاص اتفاق می‌افتد، اما تنوع شخصیت‌ها (به‌خصوص شخصیت‌های منفی و ضد قهرمانان)، زیادتر است و طبیعی می‌نماید که داستان‌ها به این وسیله، دنباله و ادامه پیدا می‌کنند.

با وجود قابلیت‌های خارق‌العاده این قهرمانان، باز هم امکان همذات پنداری با آن‌ها وجود دارد. شاید یکی از دلایلی، این باشد که آن‌ها نمایشگر بخشی از آرمان‌های انسانی هستند. انسان جویای قدرت، با آفریدن چنین شخصیت‌هایی، می‌تواند خود را به جای آن‌ها یا همراه‌شان تصور کند و در خیال خود، بر مشکلات چیره شود. این همذات پنداری‌ها، گاه آن‌چنان نمود بیرونی می‌یابند که مخاطب، با پوشیدن لباس‌هایی شبیه قهرمان، به تقلید از حرکات و سخنان ایشان می‌پردازد.

نکته قابل توجه و مهم دیگر، در داستان‌هایی که توانسته‌اند ماندگاری بیشتری بیابند، مسئله تقابل خواست‌ها (یا خواستن‌ها) است؛ خواست‌های قهرمانان و ضد قهرمانانی که در تقابل با یکدیگر، ماجراها و اتفاقات و حوادث گوناگون را شکل می‌دهند و هر چه این خواست‌ها، تعریف شده‌تر، واضح‌تر و قابل فهم‌تر باشد و تقابل آن‌ها، منطقی‌تر و بهتر طراحی و بازگو شود، داستان از جذابیت و ماندگاری بیشتری بهره می‌برد. این خواست‌ها حتی می‌توانند آن‌چنان ساده و معمولی باشند که به مسئله‌ای هم‌چون اختلاف سلیقه در انتخاب رنگ دلخواه محدود شوند. به عنوان مثال، همین موضوع به ظاهر ساده، دستمایه‌ای برای پدید آمدن اتفاقات جالبی میان پلنگ صورتی و رقیب آبی پسندش قرار می‌گیرد!

گرچه بار طنز ماجراهای مربوط به سوپر قهرمانان، کم‌تر از گروه قبل است، گاه ترکیبی از قهرمانان فوق طبیعی و طنز نهفته در داستان‌های گروه اول (هم‌چون تن تن، لوک و پی‌پی جوراب بلند)، سبب پدید آمدن داستان‌های فانتزی‌ای می‌شود که گرچه برای دنباله داشتن ساخته نشده‌اند، ویژگی‌های‌شان موجب پیدایش و آفرینش داستان‌های دنباله‌دار از آن‌ها می‌شود که با ویژگی‌های ظاهری و دیداری خاص، موضوع مناسبی برای برنامه‌های تلویزیونی و نمایش‌اند. به عنوان نمونه شاخص این قبیل داستان‌ها، می‌توان به ماجراهای ماسک اشاره کرد.

در هر حال، خلاقیت در کنار عواملی هم‌چون وسعت دید، مطالعه عمیق و گسترده، قدرت تطبیق و نگاه متناسب با ویژگی‌های مخاطب و البته همراه با تلاش خستگی‌ناپذیر و نگاه جهانی، در عین آگاهی از فرهنگ سرزمین خود، توانایی پدید آوردن آثاری را دارد که در ذهن‌ها ماندگار باشد و دوستدارانی پیدا کند که به بهانه همین آثار، با یکدیگر دوست باشند.

همراهی دانستن با خواستن، ما را به توانستن خواهد رساند.